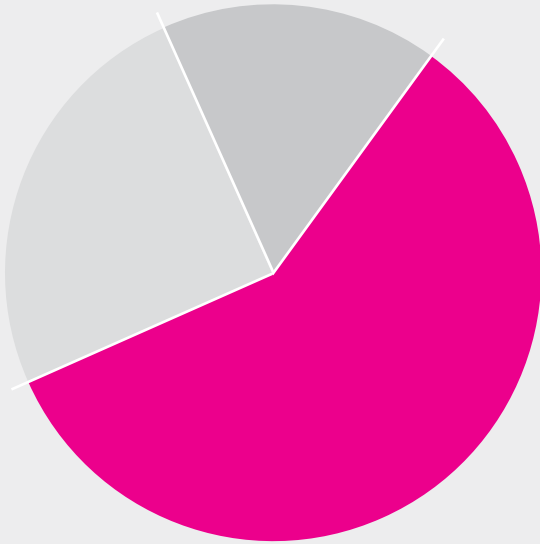


نسبت سنجی بیانیه گام دوم و طلاب جوان



رضا عیسی‌نیا*

بخش مهمی از «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» ناظر به جوانان است و از این حیث اهمیت دارد که طلاب جوان به مفاد بیانیه گام دوم به ویژه از این منظر که در یک جهان فرهنگی خاصی به نام «روحانیت و طلبگی» هستند، تأمل بیشتری داشته باشند. در همین زمینه کارشناسان، جلساتی با طلاب جوان برگزار کردند، در یکی از این جلسات، یک عده از نوعی نگاه درون‌متنی، مبتنی بر تحلیل متن بیانیه و برخی نگاه فرامتنی داشتند. آن منطقی را که بر متن بیانیه و افقی را که در آن حاکم می‌باشد، متن طراحی، انجام و نگارش شده را برای ما باز می‌کردند. در این باره «مجله حوزه» گفت و گویی با دکتر رضا عیسی‌نیا ترتیب داده که فرادید شماست.

به این که چرا مقام معظم رهبری بعد از چهل سال از انقلاب اسلامی، به نگارش و ابلاغ بیانیه گام دوم پرداختند. یک سیستمی وقتی موفق هست که با تغییرات (اعم از تغییرات سیاسی، اجتماعی، مدیریتی و...) حساس باشد. وقتی هم می‌گوییم سیستم، یعنی از آن پایین‌ترین نهادش تا بالاترینش. این سیستم حتماً بایستی به تغییرات حساس باشد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هم از این امر مستثنا نیست. و اساساً نمی‌تواند مستثنا باشد. و باید نسبت به تغییرات

درون و بیرون محیطی حساس باشد. چون تغییرات هم بر روی استراتژی و راهبرد، و هم بر روی تاکتیک یک سیستم، نهاد یا سازمان تأثیر می‌گذارد. بنابراین آن سازمان یا نهاد باید تغییرات محیطی را بشناسد. خوب چگونه بشناسد؟ با پیمایش و پایشی که انجام می‌دهد. این سیستم باید جهت مقابله با تغییرات، برنامه داشته باشد تا بتواند پایدار بماند و حیات خود را ادامه دهد. بنابراین در حوزه گام دوم می‌بینیم که مقام معظم رهبری با سه نگاه ورود پیدا کرده است: حال، گذشته و آینده. یعنی این سه نگاه را با هم وصل کرده است. بنابراین در

● یک سیستمی وقتی موفق هست که با تغییرات (اعم از تغییرات سیاسی، اجتماعی، مدیریتی و...) حساس باشد. وقتی هم می‌گوییم سیستم، یعنی از آن پایین‌ترین نهادش تا بالاترینش. این سیستم حتماً بایستی به تغییرات حساس باشد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هم از این امر مستثنا نیست. و اساساً نمی‌تواند مستثنا باشد. و باید نسبت به تغییرات درون و بیرون محیطی حساس باشد. چون تغییرات هم بر روی استراتژی و راهبرد، و هم بر روی تاکتیک یک سیستم، نهاد یا سازمان تأثیر می‌گذارد.

این را بررسی می‌کنیم؛ دوم: تعیین مراد از طلاب جوان؛ وقتی می‌گوییم طلاب جوان، مفاهیم هم‌نشین یا مفاهیم جانشین چیست؟ سوم: این طلاب، چه طلاب جوان چه طلابی که در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرند و به عنوان یک صورت‌بندی در بیانیه گام دوم چه رسالتی دارند؟ یعنی در گام دوم چه چیزهایی را باید دنبال کنند و هشداری که در بیانیه گام دوم داده شده، و بار مسئولیت این‌ها را زیاده‌تر می‌کند، چیست؟

● **اول:** چرایی طرح بیانیه گام دوم از سوی مقام معظم رهبری

در محور اول بحث را اختصاص می‌دهم

حوزه: جناب‌عالی به عنوان کسی که سال‌هاست در زمینه روحانیت کار کردید و صاحب نظر هستید، از طرفی در خصوص بیانیه گام دوم هم تأملاتی داشتید، چه نگاهی به موضوع دارید؟ چه نسبتی را می‌شود بین بیانیه گام دوم و طلاب جوان برقرار کرد؟ به عبارتی نقش طلاب جوان در تحقق بیانیه گام دوم چیست؟ یا حتی وقتی می‌گوییم طلاب جوان، منظورمان دقیقاً چیست؟

عیسی‌نیا: در ابتدا سه محور را صورت‌بندی می‌کنم. اول: اصلاً چرا بیانیه گام دوم مطرح شد؟ که با نگاه جامعه‌شناختی

نگاه حال، نگاه گذشته را در این چهل سال جمهوری اسلامی ایران و این که چه کارهایی انجام داده و به چه قله‌هایی رسیده را بیان کرده است. این که جمهوری اسلامی ایران با همه موانع و مشکلاتی که داشته و عده‌ای نمی‌خواستند جمهوری اسلامی ایران موفق باشد، اما موفقیت‌هایی به دست آورده را، مطرح کرده است. و فقط نیامده قله را ببیند و صرفاً نقاط مثبت یا اوج را بگوید. خوب می‌گویید کوتاهی‌ها و نارسایی‌هایی هم بوده و کمبودهایی داشتیم که اگر در آن ضعف‌ها بمانیم دچار مشکل می‌شویم؛ بنابراین آمده در چشم انداز بیان کرده است، یعنی از نگاه حال به سوی نگاه آینده پلی زده است. در نگاه آینده فرموده اگر می‌خواهیم در این تغییراتی که در حال اتفاق افتادن است و دست من و شما نیست، باید برنامه

داشته باشیم، یعنی چی؟ یعنی این که اگر من نتوانم مسئولیت‌م را درست اجرا کنم، اگر نتوانم آن هشدارها را به موقع بگیرم، در این تغییرات گم می‌شوم، هضم می‌شوم. پس باید هوشمند باشم و این تغییرات را از قبل

این سیستم حتماً بایستی به تغییرات حساس باشد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هم از این امر مستثنا نیست. و اساساً نمی‌تواند مستثنا باشد. و باید نسبت به تغییرات درون و بیرون محیطی حساس باشد. چون تغییرات هم بر روی استراتژی و راهبرد، و هم بر روی تاکتیک یک سیستم، نهاد یا سازمان تأثیر می‌گذارد. بنابراین آن سازمان یا نهاد باید تغییرات محیطی را بشناسد. خوب چگونه بشناسد؟ با پیمایش و پایشی که انجام می‌دهد. این سیستم باید جهت مقابله با تغییرات، برنامه داشته باشد تا بتواند پایدار بماند و حیات خود را ادامه دهد. بنابراین در حوزه گام دوم می‌بینیم که مقام معظم رهبری با سه نگاه ورود پیدا کرده است: حال، گذشته و آینده. یعنی این سه نگاه را با هم وصل کرده است. بنابراین در نگاه حال، نگاه گذشته را در این چهل سال جمهوری اسلامی ایران و این که چه کارهایی انجام داده و به چه قله‌هایی رسیده را بیان کرده است.

پیش‌بینی کنم و برایش برنامه داشته باشم. در این صورت دیگر زیر چرخ دنده‌های این تغییرات خورد نمی‌شوم و می‌توانم پیشرفت داشته باشم. مقام معظم رهبری، هوشمندانه یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به نام روش پویش محیطی را کاملاً این جا دنبال کرده و دقیق و خردمندانه مباحث را مطرح کرده است که اگر تک تک افراد که مسئول اجرای این بیانیه گام دوم هستند، اگر ابتدا درست فهم نکنند، و خوب اجرا نکنند، در آن تغییرات محیطی دچار مشکل خواهند شد.

در این بیانیه و فرمایش مقام معظم رهبری، پنج مرحله دنبال شده است، یعنی هم رهبری خودش این‌ها را دیده و دنبال می‌کند و هم این که از دیگران می‌خواهد چنین فضا و فرایندی را طی کنند. یکی این که بدانیم دلایل تغییر

چیست؟ یعنی چرا تغییر در حال رخ دادن است؟ دوم فرایندهای ایجاد و تقویت کننده آن تغییر را بشناسیم. سوم روابط مابین این فرایندها را بشناسیم. در ادامه اگر فرصت باشد، به صورت مصداقی مشخص می‌کنیم

کسانی؟ در صورت‌بندی و گونه‌شناسی وقتی می‌خواهیم یک مفهومی را دنبال کنیم، معمولاً دو دسته هستند: مفاهیم تجربی (Empirical) یا مفاهیم انتزاعی (Abstract). در مفاهیم انتزاعی، معمولاً افرادی که آن مفاهیم را دنبال می‌کنند، شابلونی می‌گذارند، یعنی بر اساس آن منظری (Perspective) که خودشان باز کردند، بر اساس آن تعیین مراد می‌کنند و آن مفهوم را بیان می‌کنند. بنابراین در بحث‌های مفاهیم انتزاعی اگر بخواهیم تعریفی از مفهوم جوان یا طلاب جوان ارائه کنیم، تا وقتی به مرز تعریف نرسیده‌ایم خیلی راحت است، ولی وقتی به مرز تعریف برسیم سهل ممتنع می‌شود و کار دشوار می‌شود. به هر حال باید تعیین مراد کنیم که وقتی می‌گوییم طلاب جوان یعنی چی؟ یک بار وقتی شما می‌گویید طلاب جوان یا روحانیت نسل جوان، در مقابلش روحانیت و طلاب نسل گذشته را می‌توانید بگذارید و بگویید این نسل جدید است و آن نسل قدیم. اگر این‌گونه تقسیم‌بندی کنیم که برخی نیز می‌کنند و مانند این‌که می‌گویند انسان جدید و انسان قدیم، خوب این یک بار معنایی پشتش

که آن حس گذشته با نگاه حال و آینده و روابط مابین این فرایندها چه نسبتی با هم دارند و چه تغییراتی در آن‌ها انجام شده است. مرحله چهارم، شناخت بازیگران اصلی و اهداف آن‌هاست. آیا بازیگران شما، همان بازیگران هستند؟ با همان عمق و رنج، با همان اهداف و نقش؟ رهبری در این چهار مرحله، چالش را به خوبی ترسیم کرده است. و در نهایت هم، عواقب تغییر برای نهاد یا این سیستم است، یعنی اگر این سیستم سیاسی جمهوری اسلامی ایران یا نظام سیاسی

جمهوری اسلامی ایران به این تغییر و عواقب تغییر توجهی نکند چه مشکلاتی پیش می‌آید. بنابراین بر اساس روش پویش محیطی می‌شود گفت این فقط یک بیانیه نیست که در کتاب‌خانه‌ها بماند و خاک بخورد، یعنی اگر به آن عمل نشود، واقعا دچار مشکل خواهیم شد.

● **دوم: جوانان به‌ویژه طلاب جوان مخاطبین بیانیه گام دوم** در محور دوم، می‌توان گفت روح حاکم این بیانیه گام دوم، مخاطبینش در درجه اول جوانان و در بحث تخصصی ما طلاب جوان هستند. اما باید یک بحثی را باید دنبال کنیم که طلاب جوان یعنی چه

● اگر نتوانم آن هشدارها را به موقع بگیرم، در این تغییرات گم می‌شوم، هضم می‌شوم. پس باید هوشمند باشم و این تغییرات را از قبل پیش‌بینی کنم و برایش برنامه داشته باشم. در این صورت دیگر زیر چرخ دنده‌های این تغییرات خورد نمی‌شوم و می‌توانم پیشرفت داشته باشم. مقام معظم رهبری، هوشمندانه یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به نام روش پویش محیطی را کاملاً این‌جا دنبال کرده و دقیق و خردمندانه مباحث را مطرح کرده است که اگر تک تک افراد که مسئول اجرای این بیانیه گام دوم هستند، اگر ابتدا درست فهم نکنند، و خوب اجرا نکنند، در آن تغییرات محیطی دچار مشکل خواهند شد.

خواهی‌ده که ما نمی‌توانیم در این جا این را دنبال کنیم. این بار معنایی یعنی چی؟ وقتی می‌گویند انسان قدیم یا انسان جدید، در انسان قدیم یکی از شاخص‌هایش این است که انسان در چنبره و سلطه طبیعت قرار گرفته و نمی‌تواند طبیعت را تغییر بدهد و تسلیم آن است. لذا وقتی می‌گوییم چرا اتفاق افتاد، می‌گوید که طبیعتش این بوده، خدا خواسته. یعنی به یک جبریت (Determinism)

می‌رسد. ولی در حوزه انسان جدید می‌گویند، انسان جدید بر خلاف انسان قدیم است. انسان جدید در چنبره و در سلطه طبیعت قرار ندارد، بلکه آمده دو کار انجام دهد: یکی این که تسلط بر طبیعت داشته باشد، و دیگر این که تسلط بر خودش داشته باشد. لذا سمت و سوی بحث متفاوت است. بنابراین اگر مراد شما در بحث طلاب جوان، این باشد که طلاب نسل جوان را در مقابل طلاب نسل کهنه قرار دهیم بحثی است که ما اصلاً در این تقسیم‌بندی دنبال نمی‌کنیم.

اما یک بار می‌گویید طلاب نسل جوان در امتداد طلاب نسل کهن هستند. خوب این جا یک بحث دیگری است. اگر این را مدنظر قرار دهیم، بین طلاب نسل جوان و طلاب نسل گذشته شکاف و گسستی نیست، ولی یک ویژگی‌هایی هست که این طلاب

یعنی اگر بیاییم صحنه و میدان مبارزه و درگیری با دشمن و مرز آن را طبقه‌بندی کنیم، طبیعتاً این‌ها خط‌شکن هستند، یعنی اهل مبارزه هستند و در آن حوزه یا در آن میدان نبرد حضور دارند. بنابراین با این سه ویژگی، مقام معظم رهبری طلاب جوان را معرفی کرده، و می‌فرماید طلاب جوان کسانی هستند که امیدوارند؛ دارای انرژی هستند و ابتکار دارند.

نسل جوان را نسبت به طلاب قبل خودش که ما اسمش را می‌گذاریم طلاب نسل گذشته، متمایز می‌کند. که چند مورد از این مختصات را بیان می‌کنم: یکی از مختصات نسل جوان اگر رئالیستی نگاه کنیم و واقع‌بینانه باشد، معمولاً روی بحث سن است؛ که سن‌های کمتر از ۳۵ سال را و به عبارتی تا مرز ۳۵ سالگی را نسل جوان می‌گویند. در حوزه هم اگر بخواهیم یک مصداقی برای

این قضیه نشان دهیم، می‌توانیم جشنواره علامه حلی را در این دسته قرار دهیم؛ یعنی جشنواره علامه حلی که برگزار می‌گردد، معمولاً آثار طلابی را (اعم از خواهران و برادران) قرار می‌دهند که بر اساس رنج سنی ۳۱ تا ۳۵ سال باشد. ویژگی دیگر طلاب نسل جوان، آرمان‌گرا بودن آن‌هاست، چراکه از این طلبه جوان انتظارهایی وجود دارد. البته بدان معنا نیست که نسل گذشته آرمان‌گرا نبوده، بلکه نسل جوان به جهت اقتضای سنش آرمان‌گراتر است، و شدت و ضعف دارد و تدرّجی است. از مختصات دیگر می‌توان به این مطلب اشاره کرد که طلاب جوان به لحاظ کنش‌گری و به جهت فضا، اقتضائات، نوع زندگی و خیلی از عوامل دیگری که دارند، فعال‌تر (Active) هستند. این فضا آن‌ها را شارژ می‌کند تا فعال‌تر باشند. بنابراین

هیچ‌کدام از دو طرف این تصویر و ذهنیت را نسبت به یک‌دیگر داشته باشند. اگر نسل جوان از این آفت رهیده شوند، می‌توانند و باید گام‌های محکمی بردارند. چرا بایستی این گام‌ها برداشته باشد؟ معمولاً دلایلی زیادی را گفتند، از جمله این‌که دیگر آن اختلاف و درگیری ایجاد نمی‌شود، چون اگر آن ادب و اطاعت از طرف طلاب جوان نسبت به بزرگان حوزه‌ها و مراجع مورد توجه قرار گیرد، آن گسست بین نسل جوان و نسل کهن ایجاد نمی‌شود. البته این یک طرف قضیه است. طرف دیگر هم باید رعایت کند. نسل کهن، باید حلم و تحمل نسبت به نظریات و ایده‌هایی که نسل جوان ارائه می‌کند، داشته باشد.

اگر از طرف نسل گذشته آن حلم و تحمل ایجاد شود و ظهور و بروز پیدا کند، و از طرف طلاب جوان هم آن ادب و اطاعت رعایت شود (نه به این معنا که از آن‌ها بت ساخته شود)، این گسست ایجاد نمی‌شود. و وقتی این گسست ایجاد نشود، این جا دیگر آن وظیفه‌ای که به دوش طلاب جوان گذاشته می‌شود سنگین‌تر از وظایف نسل کهن است و رسالت این‌ها بیشتر است. مقام معظم رهبری طبقه‌بندی ارائه کردند که ما از انقلاب اسلامی به نظام سیاسی آمدم، از نظام سیاسی به دولت

این‌ها در حوزه مبارزه و خط‌شکنی می‌توانند خط‌شکن‌تر باشند. یعنی اگر بیاییم صحنه و میدان مبارزه و درگیری با دشمن و مرز آن را طبقه‌بندی کنیم، طبیعتاً این‌ها خط‌شکن هستند، یعنی اهل مبارزه هستند و در آن حوزه یا در آن میدان نبرد حضور دارند. بنابراین با این سه ویژگی، مقام معظم رهبری طلاب جوان را معرفی کرده، و می‌فرماید طلاب جوان کسانی هستند که امیدوارند؛ دارای انرژی هستند و ابتکار دارند.

البته مقام معظم رهبری و سابقاً حضرت امام خمینی علیه السلام در بحث جوانان این تذکر را نیز می‌دهد که طلاب جوان نبایستی طلاب کهن را در مقابل خودشان قرار دهند و با هم درگیر شوند. معمولاً متأسفانه در یک بستر وسیع‌تر و نه فقط طلاب جوان، نسل جوان و نسل گذشته معمولاً در یک جاهایی با هم درگیری دارند و آن این است که نسل گذشته معمولاً نسل جوان را تکفیر و تفسیق می‌کند و نسل جوان، نسل کهن را متهم به تجهیل و تحمیق و محافظه‌کاری می‌کند. البته در این بحثی که ما دنبال می‌کنیم و با این مختصاتی که گفتیم، قاعدتاً نسل جوان نباید گسستی با نسل کهنش داشته باشد، چون نسل کهنش را نسل کهنه و نسل قدیم نمی‌داند، از این رو، نباید

البته مقام معظم رهبری و سابقاً حضرت امام خمینی علیه السلام در بحث جوانان این تذکر را نیز می‌دهد که طلاب جوان نبایستی طلاب کهن را در مقابل خودشان قرار دهند و با هم درگیر شوند. معمولاً متأسفانه در یک بستر وسیع‌تر و نه فقط طلاب جوان، نسل جوان و نسل گذشته معمولاً در یک جاهایی با هم درگیری دارند و آن این است که نسل گذشته معمولاً نسل جوان را تکفیر و تفسیق می‌کند و نسل جوان، نسل کهن را متهم به تجهیل و تحمیق و محافظه‌کاری می‌کند.

اسلامی، از دولت اسلامی به جامعه اسلامی، و از جامعه اسلامی به سمت تمدن اسلامی. خوب اگر تا دیروز نسل کهن، بر روی انقلاب و نظام اسلامی متمرکز بودند، نسل جدید بایستی روی بحث دولتی‌سازی اسلامی، جامعه‌سازی اسلامی و تمدن‌سازی متمرکز شود. بنابراین توجه مقام معظم رهبری به جوان یک توجه تعارفی و تشریفاتی نبوده است. ایشان آن استعداد و ظرفیت و قابلیت‌ها و مسیری که در چهل سال آینده باید به سمت آن بروند، را به طور واقعی در جوانان دیده است.

حوزه: شما اشاره داشتید که نگاه ما باید واقع‌بینانه و رئالیستی باشد. ما اگر بخواهیم واقعی‌تر به قضیه نگاه کنیم، انتظار مقام معظم رهبری از طلاب جوان در بیانیه گام دوم، انتظار بزرگی است که طلاب جوان به مسئله دولت اسلامی کمک کنند. وقتی به بیانیه هم رجوع می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم نقطه کانونی بیانیه گام دوم، یک نظریه دولت تحت عنوان نظریه نظام انقلابی است. یعنی آنجا نظریه دولتی که ناظر به دولت‌سازی است، رهبری تحت عنوان نظریه نظام انقلابی از آن یاد می‌کند. سؤال و مسئله این است که رهبری در یک افقی مثل دولت‌سازی یا ترازوی مثل تراز دولت‌سازی از طلاب جوان انتظار دارند؛ در حالی که می‌بینیم در فضای فعلی حوزه، بخش مهمی از طلاب در این افق و فضا فکر نمی‌کنند و کاملاً نگاه‌های سیاسی دارند. نهایتاً به واسطه انرژی و امیدی که دارند، دست به کنش‌گری‌هایی می‌زنند،

که این کنش‌گری‌ها هم کمتر در حوزه اندیشه و ایده‌پردازی در باب نظریه دولت است و عمدتاً به سمت کنش‌گری‌های رایج سیاسی و اجتماعی می‌روند. بنابراین افقی که این‌ها تفکر می‌کنند، کاملاً سیاسی است و آن افق اندیشه ما نیست. حداقل چیزی که ما به عنوان مشاهده‌گر، می‌بینیم این است که طلاب جوان در این فضا نیستند. به هر صورت در بحث دولت‌سازی که اشاره داشتید و در تقسیم‌بندی رهبری نیز هست، بدون نظریه دولت و ایده حکمرانی اصلاً قابل دفاع نیست. آیا آن انتظاری که شما اشاره کردید، و مقام معظم رهبری هم در آن افق دولت‌سازی، مدنظرشان است، برآورده شده است؟ نگاه شما به این مسئله چیست؟

عیسی‌نیا: در این جا چند بحث وجود دارد. یکی این که این رئالیستی که اشاره کردم، که مقام معظم رهبری بحث‌های بیانیه گام دوم را رئالیستی دیده است و مطالباتش هم رئالیستی است. اما این که چه میزان، این بستر آماده است و به مطالبه رهبری پاسخ می‌دهد، ذیل همان سرفصل اول به آن اشاره‌ای خواهم داشت.

برداشتم در بحث انقلاب و انقلابی‌گری دیدگاه شهید بهشتی است، یعنی من دیدگاه شهید بهشتی را می‌پسندم و بر اساس آن اعتقاد دارم که انقلاب این‌گونه نیست که وقتی سال ۵۷ اتفاق افتاد، همه‌پرسی شد، وقتی قانون اساسی جایگزین شد، دولت موقت و غیر دولت موقت معرفی شد و...

این است که این بحث، می‌تواند بحث جالبی باشد که جا دارد در گفت‌وگوی مستقلی دنبال شود که آیا واقعاً جمهوری اسلامی ایران به اهدافش رسیده؟ خوب اگر نرسیده وظیفه مردمی که وفادار به انقلاب بوده‌اند و به دنبال اجرا و تحقق اهداف انقلاب بوده‌اند، چیست؟

● سوم: رسالت طلاب جوان در بیانیه گام دوم

بحث محور سوم، این است که وقتی ما طلاب جوان را در امتداد طلاب گذشته گرفتیم، در امتداد طلاب و روحانیتی که

انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را مستقر کردند و دولت‌هایی را ساختند و گام‌هایی در دولت‌سازی برداشتند، قدم و هدف بعدی چیست؟ ما چه طلاب جوان را در امتداد طلاب کهن بگیریم چه نگیریم، بایستی این بحث‌ها را با طلاب جوان و

به واسطه آن‌ها دنبال کنیم. ما باید رسالت و کارویژه‌هایی که روحانیت به طور عام یا روحانیت نسل جوان به طور خاص در این بیانیه گام دوم دارد را بررسی کنیم، و با مرور و بازخوانی بیانیه گام دوم بتوانیم آن رسالت روحانیت را در برجسته کنیم.

نتیجه و خروجی تحلیل مقام معظم رهبری از چهل سالگی انقلاب این شد که با همه مشکلاتی که جمهوری اسلامی ایران داشت، ملت ایران در جمهوری اسلامی ایران

پس دیگر انقلاب تمام شد. شهید مطهری می‌گوید: انقلاب زمان ختم ندارد که بگویید در این دوره دیگر انقلاب تمام شد. بله، اگر بگوییم بر اساس غایتی که انقلابیون و انقلاب بر اساس آن اهدافی که در نظر گرفته بودند، به تمام اهدافش رسیده‌اند، می‌شود گفت تمام است، که البته این را هم کسی نمی‌تواند به جرئت بیان کند، ولی اگر در چهل سال گذشته، ما به اهداف انقلاب رسیدیم یا خیر؟ نگاه افراد متفاوت است، و هر کسی یک نمره‌ای می‌دهد. بنابراین سؤال شما،

مبنایی است که باید به آن در جای دیگری پرداخت، که البته چون طرح مسئله کردید، بنده هم طرح بحث می‌کنم. افرادی مثل موریس باریه در کتاب *مدرنیتة سیاسی حرفش همین است*. می‌گوید ایران اسلامی یک انقلابی انجام دادند، این انقلابیون اسلام‌گراها آمدند

دولتی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران و نظامی به نام نظام جمهوری اسلامی ایران درست کردند. پس این‌ها به کانزرواتیسم (Conservatism)، و به حفظ وضع موجود رسیدند. از این‌رو، نمی‌توانند با این دولت و این نظام سیاسی، مقابله کنند؛ چراکه اگر مقابله کنند ضد انقلاب و ضد دین می‌شوند.

خوب پس بهترین راه از بین بردن جمهوری اسلامی ایران چیست؟ که ایشان در در این مدرنیتة سیاسی‌اش راهکار می‌دهد. منظورم

ما باید رسالت و کارویژه‌هایی که روحانیت به طور عام یا روحانیت نسل جوان به طور خاص در این بیانیه گام دوم دارد را بررسی کنیم. و با مرور و بازخوانی بیانیه گام دوم بتوانیم آن رسالت روحانیت را در برجسته کنیم.

به این جا رسیدند که کشورشان، یک کشور مستقل و آزاد باشد؛ و این کشور آزاد و مستقل رکوردهایی را در حوزه مباحث علمی، فناوری، تکنولوژی، سلول‌های بنیادی، نانو، هوافضا و ... از خود بجا گذاشت و این کاملاً مشخص و اثبات شده است و مشکلاتی را هم در این چهل سال داشته و مشکلات آینده، که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری می‌فرماید که بله، مستکبران و

آن‌هایی که چشم دیدن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را ندارند، مشکلات و چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کنند، و این مشکلات با چالش‌های چهل سال قبل فرق می‌کند.

● چالش‌های آینده جمهوری اسلامی در بیانیه گام دوم

رهبری چهار چالش را در بیانیه گام دوم مطرح می‌کند که فهم این چالش برای طلاب به طور عام و طلاب جوان به طور خاص ضروری است، چرا که باید این چالش‌ها را بدانند تا بتوانند بر اساس آن برنامه‌ریزی کنند. **اول:** چالش بر اثر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی است. اگر تا دیروز بحث‌مان این بوده که این غائله و آن

غائله را در ترکمن صحرا، در کردستان، و در فلان جا جمع کنیم، الآن دیگر برای نسل جوان به طور عام و نسل طلاب جوان به طور خاص نباید این بحث مطرح باشد؛ **دوم:** چالش بر اثر برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیاست. که این مسئله این بار مسئولیت طلاب جوان را زیاد می‌کند و تکلیف می‌آورد. اگر تا دیروز در داخل ایران بودیم که مثلاً بالانه جاسوسی

آمریکا چه کنیم، الآن دیگر این بحث‌ها نیست. بنابراین باید به نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا دقت کنیم، و برای همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی برنامه داشته باشیم؛ **سوم:** چالش بر اثر جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایران به نیروی مقاومت است؛ **چهارم:** چالش بر سر ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند علیه ایران است. اگر تا دیروز دو-سه قدرت بزرگ بر سر ایران بحث داشتند و چالش ایجاد می‌کردند، الآن قدرت‌های بزرگ، ائتلاف تشکیل داده‌اند. خوب چگونه می‌شود از این چالش‌ها عبور کرد و این چالش‌ها و تهدیدها را تبدیل به فرصت کرد؟

روحانیت (اعم از روحانیت نسل اول انقلاب و نسل جوان) بایستی دویژگی را با همدیگر داشته باشند. هم حامل دین باشند و هم عامل به دین. روحانیت بایستی در حوزه اخلاق بیاید، دانش را کسب کند، فضایل و رذایل در جامعه را بشناسد، اطرافش را بشناسد و قبل از آن بایستی کنار عامل این دانش نیز باشد. این خطری است که روحانیت را تهدید می‌کند، یعنی اگر روحانیت فقط حامل باشد و عامل نباشد. الآن در حوزه فرقه‌ها و معنویت‌های کاذب در ایران و جهان، روحانیت باید اول، این‌ها را قویاً بشناسد؛ ثانیاً، بایستی در عمل به گونه‌ای رفتار کند که افراد جامعه که نگاهشان به این هادیان است، گرایش به آن فرقه‌های کاذب پیدا نکنند.

تکوین دین) قطعاً روحانیت هستند. البته بدان معنا نیست که دیگران حضور نداشته باشند و نبایستی بیایند و روحانیت را روی میز ذخیره بنشانند، خیر ولی آن که می‌خواهد فهم دین را آگاهی‌بخشی کند، روحانیت است. بنابراین روشن شد که اگر این متولیان دین، خودشان امید نداشته باشند و امیدی به آینده و امیدی به تبدیل این چالش‌ها و تهدیدها به فرصت‌ها نداشته باشند، عوام به هیچ عنوان نمی‌توانند داشته باشند.

خوب این روحانیت و طلاب جوانی که امید دارند جامعه را بسازند کجا باید گام بردارند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم هشت حوزه را برشمرده است: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و در نهایت سبک زندگی.

● علم و پژوهش

رسالت اصلی روحانیت در بحث علم و پژوهش است، چرا که بعد از انقلاب، خودش را این‌گونه تعریف کرده که آمده زندگی انسان را در دنیا و آخرت ساماندهی کند. وقتی می‌خواهد زندگی دنیا و آخرت انسان را ساماندهی کند، بحث این است که این علم و پژوهش در ساماندهی زندگی انسان چه نقشی دارد؟ در همین بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری اشاره کرده که وقتی نگاه می‌کنیم، غرب به واسطه توجه به دانشش بوده که به این ثروت و این نفوذ رسیده است. در این دویست سال به واسطه همین دانش،

● راهکار مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم برای مواجهه با این چالش‌ها

مقام معظم رهبری می‌فرماید به واسطه دو چیز می‌توان این چالش‌ها را به فرصت تبدیل کرد: یکی، ظرفیت امیدبخشی که در کشور وجود دارد و دیگری، فعال کردن و بهره‌گیری از فرصت‌های مادی‌ای که کشور دارد. بنابراین رهبری همه بحث‌ها را در قالب و قالب امید بیان می‌کند، یعنی اگر امید از ملت ایران برداشته شود با همه این ظرفیت‌هایی که دارد به جایی نمی‌رسد. و به همین جهت رسانه‌های بیگانه و دشمنان تلاش دارند این امید را بردارند.

روحانیت به‌عنوان هادیان جامعه و به‌عنوان کسانی که اقامه دین می‌کنند، خود باید امید داشته باشند و به جامعه امیدبخشی تزریق کنند. اگر بخواهیم به صورت مختصر معنای این اقامه دین را بسط دهیم، در نگاه حضرت علی (علیه السلام) و دیگر ائمه این است که ما به خاطر دنیا نیامدیم، ما نیامدیم که به ملت دستور بدهیم و پست و منصب بگیریم، بلکه آمدیم تا پرچم اسلام همه جا برافراشته بشود، آمدیم تا به کسی ظلم نشود و کسی هم به ما ظلم نکند. ما آمدیم اصلاح، آرامش و رفاه از در و دیوار این شهر و بلاد اسلامی ببارد. ما آمدیم تا افراد در امنیت باشند. و در نهایت ما آمدیم تا اقامه دین کنیم که اگر حدود الهی تعطیل شده آن را احیا کنیم! بنابراین وقتی اقامه دین این‌ها باشد، متولیان اقامه دین (فهم دین، ترویج دین و

پشتوانه آن قدرت شده، این نظام شده و ثروت و نفوذی را ایجاد کرده است. به قول اقبال، آنچه غرب را غرب و توانمند کرد، توجه به دانش، آگاهی، عقل و علمشان بوده است. تا دیروز این گونه نبود که روحانیت بیاید در حوزه سیاست دخالت کند، و به هر دلیلی از باب تقیه یا غیرتقیه ورود پیدا نمی کرد. حضرت امام رحمه الله وقتی که آمد، علوم تحت انقیاد حوزوی را در دوران طاغوت شکاند. ایشان تقیه را حرام کرد و گفت شما باید در حوزه سیاست ورود

کنید و در امر سیاسی تصرف داشته باشید و نباید یک گوشه ای بنشینید. اگر بخواهیم نگاه مثبت داشته باشیم، حوزه امروز از لحاظ کادر سازی، دولت سازی، جامعه سازی و بعد در حوزه تمدن سازی و نظریه پردازی بستر را فراهم کرده و عملاً وارد شده است.

● معنویت و اخلاق

روحانیت (اعم از روحانیت نسل اول انقلاب و نسل جوان) بایستی دو ویژگی را با همدیگر داشته باشند. هم حامل دین باشند و هم عامل به دین. روحانیت بایستی در حوزه اخلاق بیاید، دانش را کسب کند، فضایل و رذایل در جامعه را بشناسد، اطرافش را بشناسد و قبل از آن بایستی کنار عامل این دانش نیز باشد. این خطری است که روحانیت را تهدید

در نگاه حضرت علی (علیه السلام) و دیگر ائمه این است که ما به خاطر دنیا نمیادیم، ما نمیادیم که به ملت دستور بدهیم و پست و منصب بگیریم، بلکه آمدیم تا پرچم اسلام همه جا برافراشته بشود، آمدیم تا به کسی ظلم نشود و کسی هم به ما ظلم نکند. ما آمدیم اصلاح، آرامش و رفاه از در و دیوار این شهر و بلاد اسلامی بیارد. ما آمدیم تا افراد در امنیت باشند. و در نهایت ما آمدیم تا اقامه دین کنیم که اگر حدود الهی تعطیل شده آن را احیا کنیم.

می کند، یعنی اگر روحانیت فقط حامل باشد و عامل نباشد. الآن در حوزه فرقه ها و معنویت های کاذب در ایران و جهان، روحانیت باید اول، این ها را قویاً بشناسد؛ ثانیاً، بایستی در عمل به گونه ای رفتار کند که افراد جامعه که نگاهشان به این هادیان است، گرایش به آن فرقه های کاذب پیدا نکنند. الآن این بخش مرکز ملی پاسخ گویی که متولی آن دفتر تبلیغات اسلامی حوزه است، واقعاً نیروهای متخصصی دارد که

در زمینه های مختلف کار کرده اند و مردم نیز برخلاف میل تصور اولیه، وقتی به این ها مراجعه می کنند، احساس رضایت می کنند که خودم یک نمونه آن را در یک نمایشگاه دیدم که فردی در ارتباط با فرقه ها و خرافات سؤالاتی داشت و به من می گفت اصلاً آخوند مگر می تواند به این چیزها جواب بدهد؟ بعد از گفت و گوی شان وقتی من را دید، عذرخواهی کرد و نظرش عوض شد. چرا؟ چون این فرد روحانی در حوزه خودش تخصص داشت، و بر اساس آیات و روایات و تجربیاتی که داشت بسیار زیبا به سؤال ها شخص پاسخ داد. بنابراین اگر آقایان و به ویژه طلاب جوان در حوزه اخلاق و معنویت از لحاظ علمی و از لحاظ عملی مسلح شوند می توانند موفق باشند.

● اقتصاد

روحانیت طبق وظیفه موظف است به لحاظ دانشی جهل زدایی و فقر زدایی کند. روحانیت موظف است که بیکاری را از بین ببرد، موظف است که ربا را در جامعه طرد کند. بنابراین در اقتصاد، چه در بحث توزیع عدالت محورش، چه در حوزه تولید، چه در حوزه مصرف، روحانیت باید حضور جدی داشته باشد؛ یعنی یک سبک زندگی را از لحاظ علمی و عملی به جامعه ارائه کند که جامعه این قدر دورریز نداشته باشند، به سمت مصرف گرایی نرود و البته اگر می خواهد جامعه به سمت مصرف گرایی نرود، مرحله اول این است که خود روحانیت به سمت مصرف گرایی نرود، که اگر رفتند، نمی توانند جلوی اسراف و تبذیر را بگیرند. مثلاً در دوران قاجار بزرگانی آمدند فتوا دادند که استفاده از البسه خارجی

حرمت دارد، و عملاً هم مردم نپوشیدند. الآن نیز در دوران تحریم هستیم و این مسائل در حوزه اقتصاد به عهده روحانیت است و باید دنبال کنند.

● عدالت و مبارزه با فساد

در بحث عدالت و مبارزه با فساد، نیز یکی از کارویژه های اساسی روحانیت است و اصلاً مشروعیت بخشی جمهوری اسلامی ایران برای این است که فساد (اعم از اداری، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و...) در دوران

پهلوی بوده، دیگر دیده نشود و آن تبعیض در توزیع، در منابع عمومی، ویژه خواری، رانت، فریب کاری در حوزه اقتصاد و... برچیده شود. وظیفه روحانیت این جا آگاهی دهی به ملت است و باید عملاً ورود پیدا کند و نگویند که تخصص ما در این حوزه نیست.

● استقلال و آزادی

اگر حوزه ها بحث استقلال ایران که واقعاً به آن می بالند، در حوزه سیاسی ادامه داشته باشد، بایستی استقلال اقتصادیش را دنبال کنند. اگر در استقلال اقتصادی نتوانند ورود پیدا کنند و استقلال اقتصادی شان را به دست بیاورند، استقلال سیاسی اش هم با خطر مواجه می شود. این وظیفه حوزه هاست که نقشی را که علما تا الآن داشته اند، بیشتر و جدی تر ورود پیدا کند. در بحث آزادی هم همین طور است، روحانیت باید هر مسئله ای که مانع حریت و آزادی انسان ها و جوامع می شود، با توجه به تعهدی که دارند، این موانع را بردارند و مسئول نیز هستند.

● سبک زندگی

در بحث عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، روحانیت بایستی واقعا برنامه داشته باشد نه فقط در شعار، بلکه هم در بعد علمی و هم عملی، یعنی هر دورا باید با هم ورود پیدا کند. از این گونه مباحث

بنابراین در اقتصاد، چه در بحث توزیع عدالت محورش، چه در حوزه تولید، چه در حوزه مصرف، روحانیت باید حضور جدی داشته باشد؛ یعنی یک سبک زندگی را از لحاظ علمی و عملی به جامعه ارائه کند که جامعه این قدر دورریز نداشته باشند، به سمت مصرف گرایی نرود و البته اگر می خواهد جامعه به سمت مصرف گرایی نرود.

فقط بحث شعاری نیست، بلکه بایدگامی مؤثر و برنامه‌ای مدون داشت.

● چرایی ورود روحانیت و حوزه‌ها به این هشت سرفصل

حال ممکن است پرسشی پیش بیاید که این‌ها چه ارتباطی با روحانیت و طلاب نسل جوان دارد، که با ذکر سه دلیل ارتباط روحانیت را با این موارد برشماریم که با توجه به رسالت یا وظیفه و کارویژه‌ای که دارند، اشاره می‌کنیم، امید است راه‌گشا باشد.

دلیل اول، به اعتقاد حضرت امام و مقام معظم رهبری ستون و قاعده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، روحانیت است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «حوزه علمیه، به خصوص حوزه علمیه قم مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است.»^۲ حوزه‌های علمیه قاعده نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده است و دوام و استحکام این قاعده به سه چیز است. و به اصطلاح این قاعده باید به سه چیز مسلح شود، تعبیر این است که سه ضلع از اضلاع زندگی‌اش بایستی مسلح شده باشد، که عبارتند: اسلام‌شناسی، اخلاق و سیاست است. اگر به این سه ضلع مسلح نشوند، دچار مشکل می‌شوند. پس این که گفتیم روحانیت در این هشت سرفصل باید ورود داشته باشد، به دلیل این است که روحانیت قاعده نظام است و قاعده نظام بایستی در این حوزه‌ها نقش‌آفرینی کنند و حضور

داشته باشند تا باعث استحکام نظام و ورود به تمدن نوین اسلامی را نوید دهند.

دوم، چون جایگاه روحانیت مانند دیگر نیروهای اجتماعی در قانون اساسی دیده نشده است. یک امتیازاتی قانون اساسی به روحانیت داده است که آن امتیاز را به نیروهای دیگر نداده‌اند، نظیر: روحانیت به‌عنوان یک گروه، یا صنف منسجم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در تاریخ معاصر امتیازهای خاصی دارند، که نظارت بر قانون‌گذاری در قالب شورای نگهبان را دارند. نظارت بر کشف رهبری در قالب مجلس خبرگان و در آخر نظارت بر فعالیت عمومی نهادها، تشکیلات، سازمان عقیدتی سیاسی، دیگر سازمان‌ها و ... که در همه این‌ها نقش‌آفرینی دارد.

سوم، روحانیت در جمهوری اسلامی ایران برای همه قابل دسترس هستند، یعنی کارویژه‌اش را به گونه‌ای تعریف کرده که دیگر این گونه نیست که صرفاً در گوش نوزادی که تازه متولد شده اذان بگوید و یا کسی که مرده را کفن و دفن کند و قرآنی برایش قرائت کند؛ بلکه حضورش به گونه‌ای است که زندگی اجتماعی، سیاسی و زندگی آخرت مردم را ساماندهی می‌کند. روحانیت با الگوپذیری اسیره بزرگان حواجی و نیازهای مردم و جامعه را برآورده می‌کند. خودش را درگیر با زندگی روزمره مردم کرده است. دیگر نمی‌توانند بگویند مشکل بیکاری، مسکن، ازدواج و... به من چه ارتباطی دارد و... روحانیت قاعده

بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ؛ خدایا، تو خود آگاهی که آنچه از سوی ما صورت گرفت رقابت در کسب قدرت یا خواهش فزون طلبی نبود، بلکه برای این بود که سنن تورا که نشانه‌های راه تواند بازگردانیم و اصلاح آشکار و چشم‌گیر در شهرهای تو به عمل آوریم که بندگان مظلوم و محرومت امان یابند و مقررات به زمین مانده تو از نوپا داشته شوند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۹).

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از علما و اساتید و مدیران مدارس و طلاب حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۷/۲۹.

نظام و انقلاب است، برای همین بایستی در همه عرصه‌ها حضور مسئولانه داشته باشند تا بتوانند رسالت خودشان را در برابر نظام، انقلاب و بیانیه گام دوم به نحو مطلوب انجام دهند.

پی‌نوشت:

* عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعَلَّمْتَ اَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِى سُلْطَانٍ وَّ لَا اِلْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَّلٰكِنْ لِنَرُدُّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْاِصْلَاحَ فِى